

«نگاهی به آثار رضایت و غضب حضرت زهرا سلام الله علیها در کلام نبوی»

نویسنده:

«حسین غفوریان»

مرکز حقایق اسلامی

اللَّهُمَّ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

چکیده:

تحقیق حاضر با هدف بیان کلمات رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد آثار رضایت و غضب حضرت زهرا علیها السلام در منابع اهل سنت صورت گرفته است.

با روش توصیفی و با استفاده از روایات مختلف و گزارشات تاریخی ثابت می شود که حضرت زهرا علیها السلام به قدری در پیشگاه خداوند از مقام معنوی برخوردار است که رضایت او رضایت خدا و رسولش، و غضب او غضب خدا و رسولش است.

با اثبات این یافته ها، پژوهش به این نتیجه می رسد که کسانی که موجب غضب حضرت زهرا علیها السلام شده اند، در دنیا و آخرت مورد لعن خداوند و مشمول عذاب شدید الهی قرار خواهند گرفت.

کلید واژه

رضایت ، غضب ، حضرت زهرا علیها السلام

مقدمه:

در منابع اهل سنت احادیث بسیاری در فضیلت حضرت فاطمه سلام الله علیها نقل شده است که برتری آن حضرت را بر دیگران ثابت می کند. یکی از این فضائل که مورد اتفاق بین شیعه و اهل سنت نیز می باشد، این است که غضب حضرت زهرا علیها السلام به منزله ی غضب پیامبر صلی الله علیه و آله و خداوند متعال می باشد. این مفهوم در کتب مختلف و روایات صحیح اهل سنت وارد شده است که با استدلال به این روایات، می توان مطالب مهمی را در مورد مقام و منزلت حضرت زهرا سلام الله علیها در پیشگاه خداوند متعال استنباط کرد و آن را در تحلیل بسیاری از وقایع صدر اسلام مورد استفاده قرار داد.

ما در این نوشتار قصد داریم تا این روایات را بر اساس متون مختلف دسته بندی کرده و در پایان به نتایج مهمی که از این روایات به دست می آید اشاره کنیم.

بخش اول: آثار رضایت و غضب حضرت زهرا علیها السلام در کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله

1. روایات دسته اول: رضایت و غضب حضرت زهرا علیها السلام، موجب رضایت و غضب رسول خداست

دسته اول روایاتی است که رضایت حضرت زهرا علیها السلام را موجب رضایت رسول خدا صلی الله علیه و آله و غضب حضرت زهرا علیها السلام را موجب غضب رسول خدا صلی الله علیه و آله می دانند. این روایات توسط عده ای از روایان مثل مسور بن مخرمه، ابوهریره، عمرو بن حزم، مجاهد، محمد بن حنفیه، عبدالله بن زبیر، شعبی و عایشه نقل شده است و تواتر معنوی دارند یعنی یک مضمون دارند ولی با الفاظ و تعابیر گوناگون بیان شده است.

ما در ادامه به متون مختلف این روایات می پردازیم:

عبارت اول: «مَنْ أَغْضَبَهَا أَغْضَبَنِي»

این روایت را بخاری، نسائی، آجری، ابن ابی عاصم، طبرانی، بغوی، ابن ابی شیبه و دیگران نقل کرده اند. متن این روایت از این قرار است:

وحدثنا أبو الوليد، حدثنا ابن عيينة، عن عمرو بن دينار، عن ابن أبي مليكة، عن المسور بن مخرمة، أن رسول الله صلى الله عليه وسلم، قال: «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي، فَمَنْ أَغْضَبَهَا أَغْضَبَنِي»^۱

«پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: فاطمه پاره ی تن من است؛ هرکس او را خشمگین سازد مرا خشمگین ساخته است»

در روایات دیگر، تعبیر «يُغْضِبُنِي مَا أَغْضَبَهَا» و «يُغْضِبُنِي مَا يَغْضِبُهَا» نیز وارد شده است.^۲

۱. «صحيح البخارى»، ج ۵، ص ۲۱، ح ۳۷۱۴ و ص ۲۹، ح ۳۷۶۷؛ «السنن الكبرى»، ج ۷، ص ۳۹۴، ح ۸۳۱۳ و ص ۴۵۸، ح ۸۴۶۷؛ «الشريعة»، ج ۵، ص ۲۱۲۲، ح ۱۶۱۱؛ «الأحاديث والمثاني»، ج ۵، ص ۳۶۱، ح ۲۹۵۴؛ «المعجم الكبير»، ج ۲۲، ص ۴۰۴، ح ۱۰۱۲ و ح ۱۰۱۴؛ «شرح السنة»، ج ۱۴، ص ۱۵۸؛ «هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ»؛ «المصنف في الأحاديث والآثار»، ج ۶، ص ۳۸۸، ح ۳۲۲۶۹ (این روایت توسط محمد حنفیه نقل شده است)؛ «صحيح الجامع الصغير وزيادته»، ج ۲، ص ۷۷۱؛ «صحيح»
۲. «الشفاء بتعريف حقوق المصطفى»، ج ۲، ص ۶۰؛ «المعجم الكبير»، ج ۲۲، ص ۴۰۵، ح ۱۰۱۳؛ «الصواعق المحرقة»، ج ۲، ص ۵۴۸

ابن حجر عسقلانی (م 852 ق) و دیگران، نظر سهیلی را در مورد این روایت ذکر کرده و می نویسند:

«سهیلی با استدلال به این سخن پیامبر «فَمَنْ أَعْضَبَهَا أَعْضَبَنِي» می گوید: هر کس فاطمه را سب کند کافر است و توجیهش آن است که فاطمه بر آن کس که او را سب کند خشمگین می گردد. سهیلی بین غضب فاطمه و غضب پیامبر قائل به مساوات شده و هر آن کس که پیامبر صلی الله علیه و سلم را خشمگین سازد کافر است»^۳

عبارت دوم: «مَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي»

این روایت را بیهقی، احمد بن حنبل، حاکم نیشابوری، سیوطی و دیگران نقل کرده اند. بیهقی این روایت را اینگونه نقل کرده است:

«أخبرنا أبو عبد الله الحافظ، أنبأ أبو بكر بن إسحاق، أنبأ إسحاق بن الحسن بن ميمون، ثنا أبو الوليد الطيالسي، ثنا سفيان بن عيينة، عن عمرو بن دينار، عن ابن أبي مليكة، عن المسور بن مخرمة، أن رسول الله صلى الله عليه وسلم قال: فاطمة بضعة مني، من آذاهَا فَقَدْ آذَانِي»^۴

«پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: فاطمه پاره ی تن من است؛ هر که او را بیازارد مرا آزرده است»

این روایت با تعبیر «يُؤْذِينِي مَا آذَاهَا» (هر چه او را بیازارد مرا می آزارد) نیز، توسط بخاری و مسلم و دیگران نقل شده است.^۵

۳. «فتح الباری شرح صحیح البخاری»، ج ۷، ص ۱۰۵؛ قوله فمن أعضبها أعضبني استدلل به السهيلي على أن من سبها فإنه يكفر وتوجيه أنها تغضب ممن سبها وقد سوى بين غضبها وغضبه ومن أعضبه صلى الله عليه وسلم يكفر؛ «إرشاد الساری لشرح صحیح البخاری»، ج ۶، ص ۱۴۱؛ «التنوير شرح الجامع الصغير»، ج ۷، ص ۴۶۷

۴. «السنن الكبرى»، ج ۱۰، ص ۳۴۰؛ «السنن الصغير»، ج ۴، ص ۱۷۲؛ «فضائل الصحابة»، ج ۲، ص ۷۵۵؛ «المستدرک على الصحيحين»، ج ۳، ص ۱۷۳؛ «جامع الأحاديث»، ج ۱۰، ص ۵؛ «كنز العمال»، ج ۱۲، ص ۱۱۱؛ «الفصول المهمة في معرفة الأئمة»، ج ۱، ص ۶۶۴؛ «وروى عن مجاهد قال: خرج النبي صلى الله عليه و آله وهو أخذ بيد فاطمة فقال: من عرف هذه فقد عرفها ومن لم يعرفها فهي فاطمة بنت محمد، وهي بضعة مني، وهي قلبي وروحي التي بين جنبي، فمن آذاهَا فَقَدْ آذَانِي، ومن آذاني وروى عن مجاهد قال: فقد آذى الله»

۵. «صحیح البخاری»، ج ۷، ص ۳۷، ح ۵۲۳۰؛ «صحیح مسلم»، ج ۴، ص ۱۹۰۲، ح ۲۴۴۹؛ «سنن ابن ماجه»، ج ۳، ص ۱۶۵، ح ۱۹۹۸؛ «سنن أبي داود»، ج ۳، ص ۴۱۵، ح ۲۰۷۱؛ «سنن الترمذی»، ج ۶، ص ۱۸۱، ح ۳۸۶۷ و ۳۸۶۹؛ «السنن الكبرى»، ج ۷، ص ۳۹۴، ح ۸۳۱۲؛ «مسند أحمد»، ج ۳، ص ۲۴۰، ح ۱۸۹۲۶

این ارسلان مقدسی (م 844 ق) در شرح این روایت می‌نویسد:

«(ویؤذینی ما آذاها): یعنی هر زمان که فاطمه اذیت شود، پیامبر صلی الله علیه وسلم نیز به سبب او اذیت می‌شود و اذیت کردن پیامبر صلی الله علیه وسلم حرام است... بلکه انجام هرکاری که موجب اذیت شدن پیامبر می‌گردد بر ما حرام است اگر چه آن عمل فی نفسه مباح باشد و اگر چنین عملی موجب اذیت پیامبر صلی الله علیه وسلم گردد مباح بودنش مرتفع شده و حرام می‌گردد»^۶

عبد الرحمن مبارکفوری (م 1353 ق) نیز در شرح این روایت می‌نویسد:

«حدیث یؤذینی ما آذاها دلیلی است بر حرام بودن اذیت کردن کسی که پیامبر صلی الله علیه وسلم به خاطر اذیت شدنش اذیت می‌شود چرا که اذیت کردن پیامبر صلی الله علیه وسلم بالاتفاق حرام است چه کم باشد و چه زیاد و پیامبر یقیناً گفته است که آن چه فاطمه را بیازارد او را می‌آزارد. بنابراین هر آن کس که از او عملی سر بزند که فاطمه به خاطر آن اذیت شود، در حقیقت به شهادت این خبر صحیح، پیامبر صلی الله علیه وسلم را اذیت کرده است و چیزی بیشتر از کشتن فرزندش او را اذیت نمی‌کند و به همین دلیل است که از طریق استقراء مشخص شده است که کسی که در این کار نقش داشته به زودی در دنیا کیفر خود را خواهد دید و البته عذاب آخرت قطعاً شدیدتر است»^۷

نکته: در بعضی از روایاتی که با این عبارت نقل شده اند و همچنین در بعضی از روایاتی که در آینده ذکر خواهیم کرد، مسأله ی خواستگاری امیرالمومنین علیه السلام از دختر ابوجهل و ناراحتی حضرت زهرا علیها السلام از این ماجرا، علت صدور این روایات دانسته شده است؛ این در حالی است که این داستان از اکاذیبی است که مخالفین شیعه آن را نقل کرده اند و بر

۶. «شرح سنن أبی داود»، ج ۹، ص ۳۲۴؛ (ویؤذینی ما آذاها) یعنی: إذا تأذت فاطمة فی نفسها تأذی النبی - صلی الله علیه وسلم - بسببها، وأذی النبی - صلی الله علیه وسلم - حرام... بل یحرم علینا کل شیء یتأذی به، وإن کان فی أصله مباحاً لنا وإن أدى إلى أذی النبی - صلی الله علیه وسلم - ارتفعت الإباحة ولزمت التحريم

۷. «تحفة الأحوذی بشرح جامع الترمذی»، ج ۱۰، ص ۲۵۱؛ «فتح الباری شرح صحیح البخاری»، ج ۹، ص ۳۲۹؛ (ویؤذینی ما آذاها) فیہ تحریم أذی من یتأذی النبی صلی الله علیه وسلم بتأذیه لأن أذی النبی صلی الله علیه وسلم حرام حرام اتفاقاً قلیله وکثیره وقد جزم بأنه یؤذیه ما یؤذی فاطمة فکل من وقع منه فی حق فاطمة شیء فتأذت به فهو یؤذی النبی صلی الله علیه وسلم بشهادة هذا الخبر الصحیح ولا شیء أعظم فی إدخال الأذی علیها من قتل ولدها ولهذا عرف بالاستقراء معاجلة من تعاطی ذلك بالعقوبة فی الدنيا ولعذاب الآخرة أشد.

اساس مبانی اهل سنت نیز می توان دروغ بودن چنین ادعایی را ثابت کرد. برای اطلاع بیشتر در مورد بی اساس بودن این ماجرا، به کتاب «خواستگاری ساختگی» تألیف آیت الله سید علی میلانی مراجعه شود.

عبارت سوم: «يَغِيظُنِي مَا يَغِيظُهَا»

این روایت را بزّار این چنین نقل کرده است:

حدثنا مؤمل بن هشام، قال: نا إسماعيل بن إبراهيم، عن أيوب، عن ابن أبي مليكة، عن ابن الزبير، عن النبي صلى الله عليه وسلم: «إِنَّمَا فَاطِمَةُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا، بَضْعَةٌ مِنِّي، يَغِيظُنِي مَا يَغِيظُهَا»^۸

«پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: همانا فاطمه پاره ی تن من است و هر آن چه او را خشمگین کند مرا خشمگین می کند»

عبارت چهارم: «يُسِطُنِي مَا يُسِطُّهَا وَيَقْبِضُنِي مَا يَقْبِضُهَا»

احمد بن حنبل، طبرانی، حاکم نیشابوری، ابن ابی عاصم و دیگران این روایت را نقل کرده اند. حاکم نیشابوری این روایت را با سند معتبر اینگونه نقل کرده است:

حدثنا أبو سهل أحمد بن محمد بن زياد القطان، ببغداد، ثنا إسماعيل بن إسحاق القاضي، ثنا إسحاق بن محمد الفروي، ثنا عبد الله بن جعفر الزهري، عن جعفر بن محمد، عن عبد الله بن أبي رافع، عن المسور بن مخرمة رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: «إِنَّمَا فَاطِمَةُ شُجْنَةٌ مِنِّي يَبْسُطُنِي مَا يَبْسُطُّهَا، وَيَقْبِضُنِي مَا يَقْبِضُهَا» هذا حديث صحيح الإسناد، ولم يخرجاه^۹

۸ «مسند البزار»، ج ۶، ص ۱۵۰، ح ۲۱۹۳

۹. «المستدرک علی الصحیحین»، ج ۳، ص ۱۶۸، ح ۴۷۳۴ و ح ۴۷۴۷؛ [تعليق الذهبي: صحيح]؛ «مسند أحمد»، ج ۳۱، ص ۲۵۸؛ «المعجم الكبير»، ج ۲۰، ص ۲۵، ح ۳۰؛

«الأحاد والمثاني»، ج ۵، ص ۳۶۲، ح ۲۹۵۶؛ «تفسير ابن كثير»، ج ۵، ص ۴۳۱؛ «سلسلة الأحاديث الصحيحة»، ج ۴، ص ۶۵۰، ح ۱۹۹۵

«مسور می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: همانا فاطمه شعبه و شاخه ای از من است. هر آن چه او را خوشحال کند مرا خوشحال می کند و هر آن چه او را ناراحت کند مرا ناراحت می کند. سند این حدیث صحیح است و بخاری و مسلم آن را نقل نکرده اند»

در روایات دیگر، تعبیر «يَقْبُضُنِي مَا قَبَضَهَا وَيَبْسُطُنِي مَا بَسَطَهَا» و «يَقْبُضُنِي مَا يَقْبُضُهَا وَيَبْسُطُنِي مَا يَبْسُطُهَا» نیز وارد شده است.^{۱۰}

ابن اثیر (م ۶۰۶ ق) در مورد معنای این عبارت می نویسد:

«(يَبْسُطُنِي مَا يَبْسُطُهَا) أَي يَسِّرُنِي مَا يَسِّرُهَا لِأَنَّ الْإِنْسَانَ إِذَا سَرَّ انبَسَطَ وَجْهَهُ وَاسْتَبَشَّرَ...» («يَقْبُضُنِي مَا قَبَضَهَا) أَي أَكْرَهُ مَا تَكْرَهُهُ، وَأَتَجَمَّعُ مِمَّا تَتَجَمَّعُ مِنْهُ»^{۱۱}

مناوی (م 1031 ق) نیز در این زمینه می نویسد:

«(يقبضني ما يقبضها) یعنی ناپسند می دارم هر آن چه را که او (فاطمه) ناپسند می دارد (ويبسطني ما يبسطها) یعنی آن چه او را خوشحال کند مرا خوشحال می کند»^{۱۲}

عبارت پنجم: «يُرْضِينِي مَا أَرْضَاهَا وَيُسْخِطُنِي مَا أَسْخَطَهَا»

ابن عساکر این روایت را اینگونه آورده است:

أَبْنَاءُ أَبُو الْغَنَائِمِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَيْمُونٍ أَوْ أَبُو عَلِيٍّ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ مَرَّةٍ أَوْ أَبُو الطَّيِّبِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ النَّحَّاسِ التَّمِيمِيِّ أَوْ أَبُو جَعْفَرِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ حَفْصِ بْنِ عَمْرِو بْنِ الْخُثْعَمِيِّ الْأَشْجَانِيِّ أَوْ عِبَادُ بْنُ يَعْقُوبَ الْأَسَدِيِّ أَوْ السَّرِيِّ بْنِ

۱۰. فضائل الصحابة، ج ۲، ص ۷۵۸؛ السنن الكبرى - البيهقي، ج ۷، ص ۱۰۲؛ غريب الحديث، ج ۳، ص ۱۱۸۶ (این روایت توسط ابوهريزه نقل شده است)؛ «نثر الدر في المحاضرات»، ج ۱، ص ۱۶۸؛ «تاريخ مدينة دمشق»، ج ۵۸، ص ۱۵۹؛ «بهجة المحافل و بغية الأمانيل»، ج ۲، ص ۱۳۹
۱۱. «النهاية في غريب الحديث والأثر»، ج ۱، ص ۱۲۸ و ج ۴، ص ۶؛ «لسان العرب»، ج ۷، ص ۲۱۳ و ۲۵۷
۱۲. «التيسير بشرح الجامع الصغير»، ج ۲، ص ۱۶۶؛ «فيض القدير شرح الجامع الصغير»، ج ۴، ص ۴۲۱؛ (يقبضني ما يقبضها) أي أكره ما تكره و (يبسطني ما يبسطها) أي يسرني ما يسرها

عبد الله عن جعفر بن محمد عن أبيه قال: خطب الحسن بن الحسن إلى المسور بن مخرمة [ابنته] وكانت تحتها فاطمة ابنة الحسين قال يابن رسول الله (صلى الله عليه وسلم) لو خطبت علي على شسع نعلك لزوجتك ولكن سمعت رسول الله (صلى الله عليه وسلم) يقول: " إنما فاطمة شجنة مني يُرضيني ما أرضاها ويُسخطني ما أسخطها" فأنا أعلم أنها لو كانت حية فتزوجت علي ابنتها لأسخطها ذلك فما كنت لأسخط رسول الله (صلى الله عليه وسلم) ^{١٣}

«مسور بن مخرمة می گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: فاطمه شعبه و شاخه ای از من است؛ هر چه او را راضی و خشنود کند مرا راضی و خشنود می کند و هر چه موجب سخط و ناراحتی او شود مرا ناراحت می کند»

نکته: داستان این روایت و روایت قبلی که ذکر کردیم از این قرار است که روزی حسن بن حسن علیه السلام (حسن مثنی فرزند امام حسن علیه السلام) نزد مسور بن مخرمه برای خواستگاری دختر او می آید. مسور در عین حال که نسب حسن را می ستاید ولی با این عذر، که دختر حضرت فاطمه سلام الله علیها (فاطمه دختر امام حسین علیه السلام و نوه حضرت فاطمه سلام الله علیها) همسر حسن بن حسن است، دخترش را به حسن نمی دهد زیرا این کار به زعم او حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها را (حتی بعد از شهادت آن حضرت) ناراحت می کرد و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده: هر کس دخترش فاطمه سلام الله علیها را ناراحت کند او را ناراحت کرده است.

از این دو روایت، دو مطلب زیر استفاده می شود:

1. حضرت زهرا سلام الله علیها از ناراحت شدن فرزندانشان ناراحت می شوند.
2. ناراحتی و سخط حضرت زهرا سلام الله علیها حتی پس از شهادت ایشان، موجب ناراحتی و سخط رسول خدا صلی الله علیه و آله می شود.

١٣. «تاریخ مدینه دمشق»، ج ٧٠، ص ٢١؛ «فوائد أبي بكر النصيبی»، ص ٢٢٢ (این روایت توسط عمرو بن حزم نقل شده است)

عبارت ششم: «يُرِيْبُنِي مَا رَأَيْتَهَا»

این روایت را احمد بن حنبل، بخاری، نسائی، ابوداود، طبرانی و دیگران نقل کرده اند. متن روایت طبرانی بدین شرح است:

حدثنا موسى بن هارون، ثنا قتيبة بن سعيد، ثنا ابن لهيعة، ثنا ابن أبي مليكة، عن المسور بن مخرمة: أن رسول الله صلى الله عليه وسلم صعد المنبر فحمد الله وأثنى عليه ثم قال: «إِنَّمَا ابْتَنِي، يَعْنِي فَاطِمَةَ بَضْعَةَ مَنِي، يُرِيْبُنِي مَا رَأَيْتَهَا وَيُوْذِنُنِي مَا آذَاهَا»^{۱۴}

«مسور بن مخرمه می گوید: پیامبر صلی الله علیه وسلم بر بالای منبر رفت و پس از حمد و ثنای الهی فرمود: همانا دخترم یعنی فاطمه، پاره ی تن من است؛ آن چه او را ناپسند بیاید مرا ناپسند می آید و هر چه او را بیازارد مرا می آزارد»

این روایت با تعبیر «يُرِيْبُنِي مَا رَأَيْتَهَا» و «يُرِيْبُنِي مَا يَرِيْبُهَا» نیز، توسط مسلم، ابن ماجه، ترمذی و دیگران نقل شده است.^{۱۵}

ابوالعباس قرطبی (م 656 ق) در مورد معنای این عبارت می نویسد:

«منظور از عبارت (وَيُرِيْبُنِي مَا رَأَيْتَهَا) آن است که بر من سخت می آید و مرا به درد می آورد»^{۱۶}

ابن منظور (م 711 ق) می نویسد:

«وَفِي حَدِيثِ فَاطِمَةَ: يُرِيْبُنِي مَا يَرِيْبُهَا أَي يَسْوَعُنِي مَا يَسْوَعُهَا، وَيُزِعِجُنِي مَا يُزِعِجُهَا»^{۱۷}

نورالدین سندی (م 1138 ق) نیز در شرح این روایت می نویسد:

۱۴. «المعجم الكبير»، ج ۲۲، ص ۴۰۴، ح ۱۰۱۱؛ «مسند أحمد»، ج ۳۱، ص ۲۴۰، ح ۱۸۹۲۶؛ «صحيح البخارى»، ج ۷، ص ۳۷، ح ۵۲۳۰؛ «السنن الكبرى»، ج ۷، ص ۳۹۴.

ح ۸۳۱۲؛ «سنن أبى داود»، ج ۳، ص ۴۱۵، ح ۲۰۷۱؛ «الأحد والمثنى»، ج ۵، ص ۳۶۱، ح ۲۹۵۵

۱۵. «صحيح مسلم»، ج ۴، ص ۱۹۰۲، ح ۲۴۴۹؛ «سنن ابن ماجه»، ج ۳، ص ۱۶۵، ح ۱۹۹۸؛ «سنن الترمذى»، ج ۶، ص ۱۸۱، ح ۳۸۶۷؛ «السنن الكبرى - البيهقى»، ج ۷، ص ۵۰۲، ح ۱۴۷۹۸؛ «الحاوى الكبير»، ج ۱۷، ص ۱۶۴ (این روایت از طریق عایشه نقل شده است)

۱۶. «المفهم لما أشكل من تلخيص كتاب مسلم»، ج ۶، ص ۳۵۲؛ «ویریبنی ما رابها: أى يشقُّ عَلَيَّ وَيُوْلَمُنِي»

۱۷. «لسان العرب»، ج ۱، ص ۴۴۲

«(بِرَيْبِنِي) به فتح ياء یعنی مرا در نگرانی و اضطراب می افکند»^{۱۸}

عبارت هفتم: «يُنْصِبُنِي مَا أَنْصَبَهَا»

این روایت را ابواسحاق حربی، احمد بن حنبل، ترمذی، حاکم نیشابوری و دیگران نقل کرده اند. در این روایت آمده است:

حدثنا مسدد، حدثنا إسماعيل، عن أيوب، عن ابن أبي مليكة، عن ابن الزبير، قال النبي صلى الله عليه: «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي،

يُنْصِبُنِي مَا أَنْصَبَهَا»^{۱۹}

«رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود: فاطمه پاره تن من است، آنچه او را به رنج و زحمت افکند مرا به رنج و زحمت

می افکند»

ابن اثیر (م 606 ق) در مورد معنای این عبارت می نویسد:

«(فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي يُنْصِبُنِي مَا أَنْصَبَهَا) أَي يُتْعَبُنِي مَا أَنْعَبَهَا وَالنَّصَبُ: التَّعَبُ؛ يَعْنِي هِرَ أَنْجِهَ فَاطِمَةَ رَارِنْجُورَ سَارِزِدَ مَرَارِنْجُورَ

ساخته است»^{۲۰}

عبارت هشتم: «يُسَعِّفُنِي مَا أَسَعَفَهَا»

در این روایت آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي يُسَعِّفُنِي مَا أَسَعَفَهَا»^{۲۱}

«فاطمه پاره تن من است، هر چه او را حاجت روا و یاری کند مرا حاجت روا و یاری کرده است»

۱۸. «حاشیة السندی علی سنن ابن ماجه»، ج ۱، ص ۶۱۶؛ (بِرَيْبِنِي) بِفَتْحِ الْبَاءِ أَي يُوقِعُنِي فِي الْقَلَقِ وَالْاضْطِرَابِ

۱۹. «غریب الحدیث»، ج ۲، ص ۷۹۲؛ «مسند أحمد»، ج ۲۶، ص ۴۶؛ «سنن الترمذی»، ج ۶، ص ۱۸۱؛ «المستدرک علی الصحیحین»، ج ۳، ص ۱۷۳؛ «المعجم الکبیر»، ج ۱۳، ص ۱۱۴

۲۰. «النهاية في غريب الحديث والأثر»، ج ۵، ص ۶۲

۲۱. «نثر الدر في المحاضرات»، ج ۱، ص ۱۶۱؛ «المجموع المغيبي في غريب القرآن والحديث»، ج ۲، ص ۹۱

زیبیدی (م 1205 ق) در مورد معنای این عبارت می نویسد:

«وَمِنَ الْإِسْعَافِ بِمَعْنَى الْقُرْبِ وَالْإِعَانَةِ وَقَضَاءِ الْحَاجَةِ، مَا رُوِيَ فِي الْحَدِيثِ: فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي، يُسْعِفُنِي مَا يُسْعِفُهَا أَي: يَنَالُنِي مَا يَنَالُهَا، وَيُلِمُّ بِي مَا يُلِمُّ بِهَا»^{۲۲}

«يُسْعِفُنِي مَا يُسْعِفُهَا یعنی هر چه به او رسد به من رسیده و هر چه خاطر او را فراهم آورد خاطر مرا فراهم آورده است»

عبارت نهم: «يُسِّرُنِي مَا يَسِّرُهَا وَيَسُوؤُنِي مَا يَسُوؤُهَا»

این روایت را اسفراینی، ابن حجر هیتمی، فخر رازی و دیگران نقل کرده است. در این روایت آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي يَسِّرُنِي مَا يَسِّرُهَا وَيَسُوؤُنِي مَا يَسُوؤُهَا»^{۲۳}

«همانا فاطمه پاره تن من است، آنچه او را خوشحال کند مرا خوشحال می کند و آنچه او را ناراحت کند مرا ناراحت می کند»

این روایت با عبارت «يُؤَلِّمُنِي مَا يُؤَلِّمُهَا وَيَسِّرُنِي مَا يَسِّرُهَا» نیز نقل شده است.^{۲۴}

طبق نقل ابوالفرج اصفهانی، ماجرای این روایت از این قرار است که عبدالله بن حسن مثنی (نوه امام حسن علیه السلام) در حالی که نوجوانی بود بر عمر بن عبدالعزیز وارد شد، عمر از جایش بلند شد و به استقبال عبدالله رفت. وقتی که عبدالله از مجلس خارج شد، اطرافیان عمر وی را به خاطر این همه احترام به عبدالله ملامت و سرزنش کردند. عمر در جواب آن ها گفت: همانا شخص مورد اعتمادی حدیث کرد مرا که پیامبر فرمود: «انها فاطمة بضعة مني يسرنني ما يسرها» عمر سپس گفت: من می دانم که همانا اگر فاطمه علیها السلام زنده بود، از آن چه من با پسر او انجام دادم خوشحال می شد.^{۲۵}

۲۲. «تاج العروس من جواهر القاموس»، ج ۲۳، ص ۴۳۷

۲۳. «التبصير في الدين»، ص ۱۷۹؛ «الصواعق المحرقة»، ج ۲، ص ۵۲۴؛ «التفسير الكبير»، ج ۳۲، ص ۳۲۷؛ «المرأة العربية في جاهليتها وإسلامها»، ج ۲، ص ۱۸؛ «رسائل المقرئی» ص ۱۹۷

۲۴. «مناقب خوارزمی»، ص ۳۵۴

۲۵. «الأغانی»، ج ۹، ص ۱۸۰؛ «مقاتل الطالبین»، ص ۱۶۹؛ «وأنا أعلم أن فاطمة لو كانت حية لسرها ما فعلت بابنها»

عبارت دهم: «أَحِبُّ مَا سَرَّهَا وَأَكْرَهُ مَا سَاءَهَا»

ابن مغازلی و ابن عساکر آورده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي أَحِبُّ مَا سَرَّهَا وَأَكْرَهُ مَا سَاءَهَا»^{۲۶}

«همانا فاطمه پاره تن من است ؛ دوست دارم آنچه را که او را خوشنود کند و ناپسند می دارم آنچه را که او را ناراحت کند»

این روایت با لفظ «أَكْرَهُ أَنْ يَسُوءَهَا» نیز نقل شده است.^{۲۷}

عبارت یازدهم: «أَكْرَهُ أَنْ تَحْزَنَ أَوْ تَغْضَبَ»

عبدالرزاق صنعانی، سیوطی و متقی هندی این روایت را به نقل از شعبی نقل کرده اند. در این روایت آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّمَا فَاطِمَةُ بَضْعَةٌ مِنِّي، وَأَنَا أَكْرَهُ أَنْ تَحْزَنَ أَوْ تَغْضَبَ»^{۲۸}

«همانا فاطمه پاره تن من است و من ناپسند می دارم که او اندوهگین و یا خشمگین شود»

عبارت دوازدهم: «لَا أَحِبُّ أَنْ تَحْزَنَ أَوْ تَجْزَعَ»

ابن اسحاق، احمد بن حنبل و ابن ابی شیبیه این روایت را به نقل از شعبی آورده اند. در این روایت آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «فَاطِمَةُ مَضْغَةٌ مِنِّي، وَلَا أَحِبُّ أَنْ تَحْزَنَ أَوْ تَجْزَعَ»^{۲۹}

۲۶. «مناقب علی»، ص ۳۵۲؛ «تاریخ مدینه دمشق»، ج ۴۲، ص ۴۱۱

۲۷. «صحیح البخاری»، ج ۵، ص ۲۳؛ «جامع الأصول»، ج ۹، ص ۱۲۷

۲۸. «مصنف صنعانی»، ج ۷، ص ۳۰۱؛ «الجامع الكبير»، ج ۲۳، ص ۷۴۵؛ «کنز العمال»، ج ۱۳، ص ۶۷۸

۲۹. «سیره ابن اسحاق»، ص ۲۵۳؛ «فضائل الصحابة»، ج ۲، ص ۷۵۴؛ «مصنف ابن ابی شیبیه»، ج ۶، ص ۳۸۸

«همانا فاطمه پاره تن من است و من دوست ندارم که او اندوهگین و یا بی تاب شود»

جمع بندی روایات دسته اول:

بر اساس روایات دسته ی اول که ذکر کردیم، هرگونه آزار و اذیت حضرت فاطمه سلام الله علیها به منزله ی آزار و اذیت پیامبر صلی الله علیه و آله می باشد. در این روایات، پیامبر صلی الله علیه و آله به صورت مطلق آزار و اذیت و غضبِ شخص حضرت زهرا سلام الله علیها را آزار و اذیت و غضب خویش دانسته اند.

از سوی دیگر طبق تصریح علمای اهل سنت، آزار و اذیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چه کم باشد چه زیاد حرام است و موجب عذاب شدید الهی می شود. آیات قرآن نیز مؤید این مطلب است که به چند نمونه اشاره می کنیم:

الف) «وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ»^{۳۰}

«و شما حق ندارید رسول خدا را برنجانید»

ب) «وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»^{۳۱}

«و کسانی که پیامبر خدا را آزار می رسانند، عذابی پر درد [در پیش] خواهند داشت.»

ج) «إِنَّ الَّذِينَ يُؤْذُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُهِينًا»^{۳۲}

«بی گمان، کسانی که خدا و پیامبر او را آزار می رسانند، خدا آنان را در دنیا و آخرت لعنت کرده و برایشان عذابی خفّ آور آماده ساخته است»

۳۰. الأحزاب: ۵۳

۳۱. التوبة: ۶۱

۳۲. الأحزاب: ۵۷

از طرفی دیگر معلوم است که غضب رسول خدا صلی الله علیه وآله، موجب غضب خداوند و رضایت ایشان، موجب رضایت خداوند است. در احادیث صحیح اهل سنت نیز به این مطلب تصریح شده است. از جمله در «صحیح بخاری» وارد شده که عمر بن خطاب به خواهرش حفصه گفت: «أَفْتَأْمِنِينَ أَنْ يَغْضَبَ اللَّهُ لِعِغْضَبِ رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَتَهْلِكِي؟»^{۳۳}

«آیا در امان هستی (در حالی) که خدا با غضب پیامبرش غضب می کند و شما هلاک می شوید؟»

همچنین در روایتی که خوارزمی و جوینی آن را نقل کرده اند، آمده است که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

«مَنْ رَضِيَتْ عَنْهُ ابْنَتِي فَاطِمَةُ رَضِيَتْ عَنْهُ، وَمَنْ رَضِيَتْ عَنْهُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، وَمَنْ غَضِبَ عَلَيْهِ ابْنَتِي فَاطِمَةَ غَضِبْتُ عَلَيْهِ، وَمَنْ غَضِبْتُ عَلَيْهِ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ»^{۳۴}

«پس کسی که دخترم فاطمه از او راضی باشد، من از او راضی هستم و کسی که من از او راضی باشم خدا نیز از او راضی است و کسی که دخترم فاطمه بر او غضب کند، من بر او غضب می کنم و کسی که من بر او غضب کنم خدا بر او غضب می کند»

این روایات نشان می دهد که غضب رسول خدا صلی الله علیه وآله موجب غضب خداوند می شود.

نتیجه اینکه هر کسی که حضرت زهرا سلام الله علیها را بیازارد و یا او را غضبناک کند، قطعاً و یقیناً مورد لعن و غضب خداوند و مشمول عذاب شدید الهی می باشد.

۳۳. «صحیح البخاری»، ج ۷، ص ۲۸، ح ۵۱۹۱

۳۴. «مقتل الحسین علیه السلام خوارزمی»، ج ۱، ص ۱۰۰؛ «فرائد السمطين»، ج ۲، ص ۶۷

2. روایات دسته دوم: رضایت و غضب حضرت زهرا علیها السلام، موجب رضایت و غضب خداست

روایات دسته دوم بیان می کنند که حضرت فاطمه سلام الله علیها محبوب خدا است و به قدری در پیشگاه خداوند از مقام معنوی برخوردار است که رضایت او مستقیماً رضایت خدا و غضب او مستقیماً غضب خداست.

این روایت را ابن ابی عاصم، ابویعلی موصلی، دولابی، طبرانی، ابونعیم اصفهانی، ابن مغزلی، ابن عساکر، مزی، ابن حجر عسقلانی و دیگران به نقل از حضرت علی علیه السلام ذکر کرده اند. حاکم نیشابوری این روایت را با سند صحیح اینگونه گزارش کرده است:

حدثنا أبو العباس محمد بن يعقوب، ثنا الحسن بن علي بن عفان العامري، وأخبرنا محمد بن علي بن دحيم، بالكوفة، ثنا أحمد بن حازم بن أبي غرزة، قال: ثنا عبد الله بن محمد بن سالم، ثنا حسين بن زيد بن علي، عن عمر بن علي، عن جعفر بن محمد، عن أبيه، عن علي بن الحسين، عن أبيه، عن علي رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم لفاطمة: «إِنَّ اللَّهَ يَغْضِبُ لِعُضْبِكَ وَيَرْضَى لِرِضَاكَ» هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحٌ الْإِسْنَادِ، وَلَمْ يُخَرِّجَاهُ^{۳۵}

«علی علیه السلام می فرماید: رسول خدا صلی الله علیه وسلم به فاطمه فرمود: همانا خداوند به سبب غضب تو غضب می کند و با رضایت تو راضی می شود. سند این حدیث صحیح است و بخاری و مسلم آن را نقل نکرده اند»

این روایت با لفظ «إِنَّ اللَّهَ لَيَغْضِبُ لِعُضْبِ فَاطِمَةَ وَيَرْضَى لِرِضَاهَا» نیز نقل شده است.^{۳۶}

۳۵. «المستدرک علی الصحیحین»، ج ۳، ص ۱۶۷، ح ۴۷۳۰؛ «الأحاد والمثنائی»، ج ۵، ص ۳۶۳؛ «معجم أبی یعلی الموصلی»، ص ۱۹۰؛ «الذریة الطاهرة»، ص ۱۲۰؛ «المعجم الكبير»، ج ۱، ص ۱۰۸ و ج ۲، ص ۴۰۱؛ «فضائل الخلفاء الراشدين»، ص ۱۲۵؛ «مناقب علی لابن المغزلی»، ص ۴۱۷؛ «تاریخ مدینه دمشق»، ج ۳، ص ۱۵۶؛ «تهذیب الکنز فی أسماء الرجال»، ج ۳۵، ص ۲۵۰؛ «الإصابة فی تمییز الصحابة»، ج ۸، ص ۲۶۶؛ «أسد الغابة فی معرفة الصحابة»، ج ۷، ص ۲۱۶؛ «ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی»، ص ۳۹؛ «مجمع الزوائد ومنبع الفوائد»، ج ۹، ص ۲۰۳؛ «رواه الطبرانی، وإسناده حسن»؛ «سبل الهدی والرشاد»، ج ۱۱، ص ۴۴؛ «روی الطبرانی باسناد حسن»؛ «التغور الباسمة فی مناقب سیدتنا فاطمة»، ص ۱۱؛ «أخرج الطبرانی بسند حسن...»؛ «شرح الزرقانی علی المواهب اللدنیة بالمنح المحمدیة»، ج ۴، ص ۳۳۱؛ «أخرجه الطبرانی فی الأوسط بسند صحیح علی شرط الشیخین...»

۳۶. «خداوند به خشم فاطمه، خشمگین و به خشنودی او، خشنود می گردد»؛ «جامع الأحادیث»، ج ۸، ص ۱۸۶؛ «الجامع الكبير»، ج ۲، ص ۲۱۰؛ «کنز العمال»، ج ۱۲،

با توجه به این روایت، نتیجه گرفته می‌شود که حضرت زهرا سلام الله علیها معیار حق و باطل است؛ یعنی هر چیزی و هر امری اگر مورد رضایت حضرت زهرا سلام الله علیها بود، قطعاً آن امر حق و مورد رضایت خداست و هر امری اگر غضب آن حضرت را برانگیزد، آن امر به یقین باطل و مورد غضب خدا خواهد بود و الا پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به طور مطلق نمی‌فرمود که غضب فاطمه غضب خدا و رضایت فاطمه رضایت خدا است.

علمای شیعه اتفاق دارند بر اینکه این روایت مانند آیه تطهیر، بر عصمت آن حضرت از هرگونه اشتباه و خطا دلالت دارد؛ علامه مجلسی در این مورد می‌فرماید: «می‌گوییم: در عصمت فاطمه علیها السلام شکی نیست... اما دلیل ما بر مخالفین یکی آیه تطهیر است که بر عصمت آن حضرت دلالت دارد و دیگری اخبار متواتری که دلالت دارند بر اینکه اذیت کردن حضرت زهرا، اذیت کردن رسول خدا صلوات الله علیها است و این که خداوند با خشم فاطمه خشمگین می‌شود و با رضایت ایشان راضی می‌شود»^{۳۷}

آیت الله سبحانی نیز در این زمینه می‌نویسد: «حضرت زهرا سلام الله علیها دارای مقام شاخی است تا جایی که غضب و رضایت ایشان، ملاک غضب و رضایت خداوند متعال است و این فضیلت اگر بر چیزی دلالت کند یقیناً بر عصمت حضرت زهرا سلام الله علیها دلالت می‌کند»^{۳۸}

۳۷. «بحار الأنوار»، ج ۲۹، ص ۳۳۵؛ «نقول: لا شك في عصمة فاطمة عليها السلام... وأما الحجج على المخالفين... وبالأخبار المتواترة الدالة على أن إيداءها إيداء الرسول صلوات الله عليهما وأن الله تعالى يغضب لغضبها ويرضى لرضاها»

۳۸. «رسائل و مقالات»، ج ۳، ص ۳۵۹؛ «فأية مكانة شامخة للزهراء سلام الله عليهما حتى صار غضبها و رضاها ملاكاً لغضبه سبحانه و رضاه و هذا إن دل على شيء فإنما يدل على عصمتها»

بخش دوم: غضب حضرت زهرا علیها السلام بر حاکمیت

ما در شبانه روز در نمازهای یومیه حداقل ده مرتبه دعا می‌کنیم تا از کسانی که مورد غضب الهی قرار گرفته اند نباشیم: «اهدنا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَ الضَّالِّينَ» ؛ طبق آنچه که در بخش اول ذکر کردیم، از جمله کسانی که در زمره مغضوبین هستند کسانی هستند که باعث خشم و غضب و نارضایتی فاطمه زهرا سلام الله علیها شده اند. حال باید ببینیم که چه کسانی موجب خشم و غضب و اذیت و آزار حضرت زهرا سلام الله علیها شده اند؟

بر اساس آنچه در معتبرترین متون اهل سنت آمده است، می‌توان به یقین بیان کرد که حضرت زهرا سلام الله علیها از خلیفه زمان خویش رضایت نداشته اند. برای اثبات عدم رضایت حضرت زهرا سلام الله علیها از خلفاء و خشم و غضب ایشان بر آن‌ها، ما تنها به چند روایت معتبر از کتب اهل سنت بسنده می‌کنیم و قضاوت را برعهده وجدان‌های منصف می‌سپاریم.

روایت اول: در کتاب «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» دو کتاب معتبر و صحیح اهل سنت، روایتی از عایشه نقل شده است که متن آن بدین شرح است:

«فاطمه شخصی را نزد ابوبکر فرستاد و ارث خود را که از رسول خدا صلی الله علیه و آله برایش بود از فیء و فدک و ما بقی خمس خیبر از ابوبکر طلب کرد. ابوبکر گفت پیامبر فرموده است ما ارث نمی‌گذاریم هر آنچه از اموالمان باقی بماند صدقه است! آل پیامبر هم [مانند سایر مسلمین] از آن سهم دارند و به خدا قسم صدقه پیامبر را تغییر نخواهم داد و به همان گونه که در زمان حیات پیامبر عمل می‌شده عمل خواهم کرد، بنابراین ابوبکر از دادن چیزی از آن ارثیه به فاطمه امتناع ورزید. پس فاطمه بر ابوبکر غضب کرد و از او دوری کرد و با ابوبکر دیگر صحبت نکرد تا زمانی که از دنیا رفت و فاطمه بعد از پیامبر شش ماه زندگی کرد و زمانی که از دنیا رفت نیز همسرش علی او را شبانه دفن کرد و برای تدفین و نماز، ابوبکر را خبر نکرد»^{۳۹}

۳۹. «صحیح البخاری»، ج ۵، ص ۱۳۹، ح ۴۲۴۰؛ «صحیح مسلم»، ج ۳، ص ۱۳۸۰، ح ۱۷۵۹

سایر علمای اهل سنت نیز این روایت را نقل کرده اند.^{۴۰}

صفی الدین مبارکفوری (م ۱۴۲۷ ق) در شرح الفاظ این روایت می نویسد:

«فَوَجَدَتْ فَاطِمَةَ» یعنی فاطمه غضب کرد (فَهَجَرَتْه) یعنی دیدار با ابوبکر و سخن گفتن با او را از باب غضب و قطع رابطه ترک کرد»^{۴۱}

طبق عبارتی که در این روایت آمده است: «فَوَجَدَتْ فَاطِمَةَ عَلَى أَبِي بَكْرٍ فِي ذَلِكَ، فَهَجَرَتْهُ فَلَمْ تُكَلِّمَهُ حَتَّى تُوفِّيَتْ... فَلَمَّا تُوفِّيَتْ دَفَنَهَا زَوْجُهَا عَلِيُّ لَيْلًا، وَلَمْ يُؤْذِنْ بِهَا أَبَا بَكْرٍ وَصَلَّى عَلَيْهَا» و طبق عبارت دیگری که بخاری و دیگران آن را نقل کرده اند: «فَغَضِبَتْ فَاطِمَةَ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَهَجَرَتْ أَبَا بَكْرٍ، فَلَمْ تَزَلْ مُهَاجِرَتَهُ حَتَّى تُوفِّيَتْ»^{۴۲} مطالب زیر برداشت می شود:

الف) وجود اختلاف میان حضرت زهرا سلام الله علیها و ابوبکر

ب) غضب حضرت زهرا علیها السلام بر ابوبکر و قهر و عدم تکلم آن حضرت با ابوبکر

ج) تداوم و استمرار این غضب و عدم تکلم تا زمان شهادت حضرت زهراء سلام الله علیها (شش ماه)

د) دفن شبانه ی حضرت زهراء سلام الله علیها و نماز خواندن حضرت علی علیه السلام بر پیکر ایشان و بی خبری ابوبکر

۴۰. «الطبقات الكبرى»، ج ۲، ص ۲۴۰؛ «مسند أحمد بن حنبل»، ج ۱، ص ۲۲۲، ح ۵۵؛ [تعلیق المحقق: إسناده صحيح على شرط الشيخين]؛ «تاريخ المدينة لابن شبة»، ج ۱، ص ۱۹۶؛ «شرح مشكل الآثار»، ج ۱، ص ۱۳۷، ح ۱۴۳؛ «مسند الشاميين»، ج ۴، ص ۱۹۸، ح ۳۰۹۷؛ «الإحسان في تقريب صحيح ابن حبان»، ج ۱۱، ص ۱۵۲، ح ۴۸۲۳؛ [تعلیق المحقق: إسناده صحيح رجاله ثقات]

۴۱. «منه المنعم في شرح صحيح مسلم»، ج ۳، ص ۱۸۷؛ (فوجدت فاطمة) أي غضبت (فهجرت) أي تركت اللقاء والكلام على سبيل الغضب والتقاطع
۴۲. «صحيح البخاري»، ج ۴، ص ۷۹، ح ۳۰۹۳؛ «مسند أحمد بن حنبل»، ج ۱، ص ۲۰۴، ح ۲۵؛ [تعلیق المحقق: إسناده صحيح على شرط الشيخين]؛ «السنن الكبرى بيهقي»، ج ۶، ص ۴۸۹، ح ۱۲۷۳۲ و ح ۱۲۷۳۴

روایت دوم: حضرت زهرا علیها السلام حتی تا لحظات آخر زندگانی شان بر ابوبکر و عمر غضبناک بوده و از آن دو نفر راضی نشدند. ابن قتیبه (م 276 ق) عالم سرشناس اهل سنت در این زمینه می نویسد:

«وقتی ابوبکر و عمر نزد فاطمه آمدند، آن حضرت صورتش را به طرف دیوار برگرداند و جواب سلام آنان را نداد. پس ابوبکر گفت: ای محبوب رسول خدا به خدا سوگند خویشاوندی رسول خدا نزد من دوست داشتنی تر از خویشاوندی خودم می باشد و من تو را از دخترم عایشه بیشتر دوست دارم، روزی که پدرت وفات کرد دوست داشتم من هم می مُردم تا بعد از او باقی نمانم، آیا گمان می کنی من با این که تو را می شناسم و فضل و شرف تو را می دانم تو را از حق و میراث محروم می کنم؟ اما از پدرت رسول خدا شنیدم که می گفت: ما ارث بجا نمی گذاریم و هر چه از ما باقی بماند صدقه است؛ در این هنگام فاطمه فرمود: اگر حدیثی از رسول خدا برای شما نقل کنم آیا آن را تأیید می کنید و به آن عمل می کنید؟ گفتند: آری! فرمود: شما را به خدا سوگند می دهم آیا شما دو نفر از رسول خدا نشنیدید که فرمود: خشنودی فاطمه خشنودی من و ناراحتی او ناراحتی من است، هر کس دخترم فاطمه را دوست بدارد و احترام کند مرا دوست داشته و احترام کرده است و هر کس فاطمه را خشنود نماید مرا خشنود کرده است و هر کس فاطمه را ناراحت کند مرا ناراحت کرده است! ابوبکر و عمر هر دو اعتراف کرده و گفتند: آری ما از رسول خدا این گونه شنیدیم. سپس فرمود: پس من خدا و فرشتگان را شاهد می گیرم که شما دو نفر مرا اذیت و ناراحت کرده اید و رضایت مرا بدست نیاورده اید و در ملاقات با پدرم از شما دو نفر شکایت خواهم کرد. ابوبکر گفت: من از خشم او (پیامبر) و خشم تو ای فاطمه به خدا پناه می برم... سپس حضرت به ابوبکر فرمود: به خدا قسم پس از هر نماز بر تو نفرین خواهم کرد»^{۴۳}

از این روایت نیز مطالب زیر به دست می آید:

الف) روی گردانی حضرت زهرا سلام الله علیها از ابوبکر و عمر و پاسخ ندادن به سلام آن ها (حَوَّلَتْ وَجْهَهَا إِلَى الْحَائِطِ ، فَسَلَّمَا عَلَيْهَا ، فَلَمْ تَرُدَّ عَلَيْهِمَا السَّلَامَ)

۴۳. «الإمامة و السياسة»، ج ۱، ص ۳۱

ب) استناد حضرت زهرا سلام الله علیها به حدیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد رضایت و غضب فاطمه سلام الله علیها و اعتراف گرفتن از ابوبکر و عمر مبنی بر شنیدن این حدیث از رسول خدا صلی الله علیه و آله (رِضَا فَاطِمَةَ مِنْ رِضَائِي وَ سَخِطَ فَاطِمَةَ مِنْ سَخِطِي فَمَنْ أَحَبَّ فَاطِمَةَ ابْنَتِي فَقَدْ أَحَبَّنِي وَ مَنْ أَرْضِيَ فَاطِمَةَ فَقَدْ أَرْضَانِي وَ مَنْ أَسَخَطَ فَاطِمَةَ فَقَدْ أَسَخَطَنِي)

ج) اعلام غضب و نارضایتی از ابوبکر و عمر توسط حضرت زهرا سلام الله علیها و شکایت از آن دو نفر در نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله (فَإِنِّي أَشْهَدُ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ أَنَّكُمْ أَسَخَطْتُمَنِي وَ مَا أَرْضِيْتُمَنِي وَ لَئِنْ لَقِيتُ النَّبِيَّ لَأَشْكُوَنَّكُمْ إِلَيْهِ)

د) نفرین حضرت زهرا سلام الله علیها بر ابوبکر پس از هر نماز (وَ اللَّهُ لَأَدْعُونَ اللَّهَ عَلَيْكَ فِي كُلِّ صَلَاةٍ أُصَلِّيْهَا)

ابن ابی الحدید معتزلی در این زمینه می نویسد:

«آن چه از نظر من صحیح می باشد این است که حضرت فاطمه در حالی از دنیا رفت که بر ابوبکر و عمر خشمگین بود و وصیت کرد که آن دو بر جنازه وی نماز نخوانند»^{۴۴}

امام رضا علیه السلام نیز به این مطلب تصریح کرده است. در شهر مرو که امام رضا علیه السلام در بین دشمنان قرار داشت و صراحتاً نمی توانست حقایق را باز گو کند، شخصی درباره ی ابوبکر از آن حضرت سؤال کرد. حضرت پاسخ داد: سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ ؛ شخص سؤال کننده پافشاری کرد تا امام پاسخ دهد. آن حضرت فرمود:

«كَانَتْ لَنَا أُمَّ صَالِحَةٌ مَاتَتْ وَ هِيَ عَلَيْهِمَا سَاخِطَةٌ وَ لَمْ يَأْتِنَا بَعْدَ مَوْتِهَا خَبَرٌ أَنَّهَا رَضِيَتْ عَنْهُمَا»^{۴۵}

۴۴. «شرح نهج البلاغه»، ج ۶، ص ۵۰؛ و الصحیح عندی آنها ماتت و هی واجده علی ابی بکر و عمر و آنها أوصت ألا یصلیاً علیها

۴۵. «الطرائف فی معرفه مذهب الطوائف»، ج ۱، ص ۲۵۲؛ «عوالم العلوم»، ج ۱۱، ص ۱۵۶؛ شبیه همین عبارت، از عبد الله بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام (نوه امام حسن علیه السلام) نیز نقل شده است. وی گفته است: «كَانَتْ أُمَّناً صَدِيقَةً، ابْنَةُ نَبِيٍّ مَرْسَلٍ وَ مَاتَتْ وَ هِيَ غَضَبِي عَلَي قَوْمٍ فَنَحْنُ غَضَابٌ لِعُضْبِهَا»؛ شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۴۹؛ همچنین ر.ک: «حقائق المعرفه فی علم الکلام»، تألیف یکی از امامان زیدیه در قرن ۶، ج ۱، ص ۵۲۱

«ما، مادر صالحه ای داشتیم (یعنی حضرت زهرا علیها السلام) که از دنیا رفت در حالی که از آن دو نفر (ابوبکر و عمر) ناراضی بود. پس از وفات مادرمان هم به ما خبری نرسیده که او از آن دو نفر راضی شده باشد»

پس از دانستن این مطالب، چگونه می‌توان باور کرد که صدیقه شهیده سلام الله علیها از آن دو نفر راضی شده باشد؟! به راستی که اگر حضرت زهرا سلام الله علیها از ابوبکر و عمر راضی بود، چرا وصیت کرد که او را شبانه و مخفیانه دفن کنند و وصیت کرد که هیچ یک از کسانی را که به او ستم کردند، برای تشییع جنازه و نماز خبر نکنند؟

ابن قتیبه دینوری در کتاب «تأویل مختلف الحدیث» آورده است: «گفته اند که: فاطمه از ابوبکر میراث پدرش رسول خدا صلی الله علیه وسلم را درخواست نمود و وقتی ابوبکر سرپیچی کرد، فاطمه سوگند یاد کرد که دیگر با ابوبکر سخن نگوید و وصیت کرد شبانه او را دفن کنند تا ابوبکر در تشییعش شرکت نکند»^{۴۶}

ابن بطال (م 449 ق) در شرح صحیح بخاری می‌نویسد:

«اکثر علما دفن جنازه را در شب اجازه داده‌اند... علی بن ابی طالب، همسرش فاطمه را شبانه دفن کرد تا ابوبکر بر او نماز نخواند؛ چون بین آن دو اختلافی بود»^{۴۷}

عبد الرزاق صنعانی نیز روایتی را در این زمینه نقل کرده است:

«از حسن بن محمد حنفیه (نوهی امیرالمومنین علیه السلام) نقل شده است که گفته است: فاطمه دختر پیامبر صلی الله علیه وسلم شب دفن شد. علی بن ابی طالب نمی‌خواست ابوبکر بر فاطمه نماز بخواند زیرا بین آن دو اختلافی بود»^{۴۸}

۴۶. «تأویل مختلف الحدیث»، ص ۴۲۷؛ و قد طالبت فاطمة رضی الله عنها أبا بکر رضی الله عنه بمیراث أیها رسول الله صلی الله علیه وسلم فلما لم یعطها إیاه حلفت لا تکلمه أبدا وأوصت أن تدفن لیلاً لئلا یحضرها فدُفنت لیلاً

۴۷. «شرح صحیح البخاری لابن بطال»، ج ۳، ص ۳۲۵؛ أجاز اکثر العلماء الدفن باللیل... ودفن علی بن ابی طالب زوجته فاطمة لیلاً، فرَّ بها من ابی بکر ان یصلی علیها، کان بینهما شیء

۴۸. «مصنف صنعانی»، ج ۳، ص ۵۲۱، ح ۶۵۵۴؛ عن ابن جریر، وعمر بن دینار أن حسن بن محمد، أخبره «أن فاطمة بنت النبی صلی الله علیه وسلم دُفنت باللیل» قال: فرَّ بها علی من ابی بکر أن یصلی علیها، کان بینهما شیء

آری، حضرت زهرا سلام الله علیها وصیت کرد که او را شبانه دفن نموده و هیچ یک از کسانی که بر او ظلم روا داشته اند را خبر نکنند و این بهترین سند برای شیعیان است تا ثابت کنند که صدیقه طاهره سلام الله علیها مظلوم از دنیا رفته و از افرادی که به وی ظلم و ستم کرده اند، هرگز راضی نشده است. عدم رضایت صدیقه طاهره سلام الله علیها از آن دو نفر، اصل و اساس مشروعیت خلافت آن ها را زیر سؤال می برد؛ چرا که ثابت می کند تنها یادگار رسول خدا صلی الله علیه و آله و برترین بانوی دو عالم، با خلافت ابوبکر و عمر مخالف بوده و آن ها را به عنوان امام و خلیفه قبول نداشته است.

به راستی، آیا چنین اشخاصی که با غضبناک کردن حضرت زهرا سلام الله علیها مورد غضب خداوند قرار گرفته اند، شایستگی خلافت و رهبری بر مسلمین را دارند؟!

خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ»^{۴۹}

«ای کسانی که ایمان آورده اید، مردمی را که خدا بر آنان غضب کرده، به دوستی مگیرید»

خداوند همچنین می فرماید: «وَمَنْ يَخْلُلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ»^{۵۰}

«و هر کس که خشم و غضب من بر او فرود آید، قطعاً در [ورطه] هلاکت افتاده است»

چگونه می توان فردی را که مصداق بارز (فَقَدْ هَوَى) است، به عنوان خلیفه مسلمین قبول کرد؟!

قضاوت با وجدان های منصف و آگاه!

۴۹. ممتحنه: ۱۳

۵۰. طه: ۸۱

منابع و مأخذ:

قرآن كريم

ابن ابى شيبة ، ابوبكر (م ٢٣٥ هـ) ، *المصنف في الأحاديث والآثار* ، الناشر: (دار التاج - لبنان) ، الطبعة: الأولى

ابن أبى الحديد، عبد الحميد بن هبة الله (م 656 هـ) ، *شرح نهج البلاغه* ، مكتبة آية الله المرعشي النجفي ، قم ، چاپ اول

ابن الأثير، أبو الحسن علي بن محمد الجزري (م ٦٣٠ هـ) ، *أسد الغابة في معرفة الصحابة* ، الناشر: دار الفكر - بيروت، ١٤٠٩ هـ

ابن الأثير، مجد الدين أبو السعادات المبارك بن محمد الشيباني الجزري (م ٦٠٦ هـ) ، *النهاية في غريب الحديث والأثر* ، المكتبة العلمية - بيروت، ١٣٩٩ هـ - ١٩٧٩ م

ابن حجر العسقلاني، أبو الفضل أحمد بن علي (م ٨٥٢ هـ) ، *فتح الباري شرح صحيح البخاري* ، دار المعرفة - بيروت، 1379

ابن حجر الهيتمي ، شهاب الدين شيخ الإسلام (م ٩٧٤ هـ) ، *الصواعق المحرقة على أهل الرافض والضلال والزندقة* ، المحقق: عبد الرحمن بن عبد الله التركي - كامل محمد الخراط ، مؤسسة الرسالة - لبنان ، الطبعة: الأولى، ١٤١٧ هـ

ابن عساكر (م 571 هـ) ، *تاريخ مدينة دمشق* ، المحقق: عمرو بن غرامة العمروي ، دار الفكر - بيروت ، الطبعة: الأولى

ابن قتيبة الدينوري، أبو محمد عبد الله بن مسلم (م ٢٧٦ هـ) ، *الإمامة والسياسة* ، تحقيق: علي شيرى ، دار الأضواء - بيروت ، الطبعة: الأولى - 1410 هـ

ابوالفرج الاصفهاني (م ٣٥٦ هـ) ، *الأغانى* ، دار إحياء التراث العربي - بيروت ، ١٤١٥ ق ، چاپ اول

أحمد بن حنبل (م 241 ق) ، *مسند أحمد* ، المحقق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد ، مؤسسة الرسالة ، الطبعة: الأولى

امينى ، عبدالحسين (م 1390 هـ) ، *الغدِير في الكتاب والسنة والأدب* ، مركز الغدير للدراسات الإسلامية ، قم ، 1416 هـ . ق

البخاري ، محمد بن اسماعيل (م ٢٥٦ هـ) ، *صحيح البخاري* ، الطبعة: السلطانية ، ١٣١١ هـ

البيهار، أبو بكر أحمد بن عمرو بن عبد الخالق (م 292 هـ)، **مسند البزار المنشور باسم البحر الزخار**، مكتبة العلوم والحكم - المدينة المنورة،
الطبعة: الأولى

البيهقي، أبو بكر أحمد بن الحسين بن علي (م 458 هـ)، **السنن الكبرى**، دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الثالثة، 1424 ق

الترمذي، أبو عيسى (م 279 هـ)، **سنن الترمذي**، تحقيق: بشار عواد معروف، دار الغرب الإسلامي - بيروت، الطبعة: الأولى،

حاكم نيشابوري (م 405 هـ)، **المستدرک علی الصحیحین**، دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى

الخوارزمي، الموفق بن احمد البكري، **الناقب**، المحقق: الشيخ مالك المحمودي، مؤسسة النشر الإسلامي، الطبعة: 2

الدينوري، أبو محمد عبد الله بن مسلم ابن قتيبة (م 276 هـ)، **تأويل مختلف الحديث**، المكتب الاسلامي - مؤسسة الإشراف، الطبعة:
الطبعة الثانية - 1419 هـ

السيوطي، عبد الرحمن بن أبي بكر (م 911 هـ)، **جامع الأحاديث**، بإشراف د علي جمعة، الطبعة الأولى، 1423 هـ

الصنعاني، أبو بكر عبد الرزاق بن همام (م 211 هـ)، **المصنف**، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمي، المجلس العلمي - الهند، يطلب من:
المكتب الإسلامي - بيروت، الطبعة: الثانية، 1403 هـ .

الطبراني، سليمان بن أحمد، (م 360 هـ)، **المعجم الكبير**، المحقق: حمدي بن عبد المجيد السلفي، مكتبة ابن تيمية - القاهرة، الطبعة: الثانية

النسائي، أحمد بن شعيب (م 303 هـ)، **السنن الكبرى**، مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة: الأولى، 1421 هـ

النيسابوري، مسلم بن الحجاج (م 261 هـ)، **صحيح مسلم**، المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي، مطبعة عيسى البابي الحلبي وشركاه،
القاهرة، 1374 هـ